



عوامل مؤثر در تشخیص موضوعات احکام

حجة الاسلام دکتر سیدجعفر علوی گنابادی

استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی

سرشناسه.....: علوی گنابادی، سیدجعفر، ۱۳۵۲ -
 عنوان و نام پدیدآور.....: عوامل مؤثر در تشخیص موضوعات احکام/ سیدجعفر علوی گنابادی.
 مشخصات نشر.....: مشهد: دانشگاه علوم اسلامی رضوی، ۱۳۹۱.
 مشخصات ظاهری.....: ۱۶۰ ص.
 شابک.....: ۹۷۸-۹۶۴-۷۶۷۳-۸۹-۱ : ۳۵۰۰۰ ریال
 وضعیت فهرست نویسی...: فیا
 یادداشت.....: کتابنامه .
 موضوع.....: اجتهاد و تقلید
 موضوع.....: اصول فقه
 شناسه افزوده.....: دانشگاه علوم اسلامی رضوی
 رده بندی کنگره.....: ۱۳۹۱ ۴/ع۷۳ BP۱۶۷
 رده بندی دیویی.....: ۲۹۷/۳۱
 شماره کتاب شناسی ملی.....: ۲۷۷۸۷۷۰



عوامل مؤثر در تشخیص موضوعات احکام

نویسنده: حجة الاسلام دکتر سیدجعفر علوی گنابادی
 اساتید راهنما: آية الله مهدي مرواريد، دکتر محمدتقی فخلعی
 استاد مشاور: حجة الاسلام دکتر محمد تقی قبولی
 ارزیابان علمی: حجج اسلام دکتر محسن جهانگیری و دکتر جواد ایروانی

ویراستار: هادی بزدی نانی
 طراح جلد: جواد سعیدی
 چاپ اول: اردیبهشت ۱۳۹۱
 شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
 قیمت: ۳۵۰۰۰ ریال

مدیر اجرایی پژوهش و ناظر چاپ: علی اصغریار
 حروفچینی و صفحه آرایی: واحد نشر دانشگاه علوم اسلامی رضوی
 چاپ و صحافی: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

مرکز توزیع

مشهد مقدس: حرم مطهر، انتشارات دانشگاه علوم اسلامی رضوی
 صندوق پستی: ۱۱۹۳-۹۱۷۳۵ تلفن و دورنگار: ۰۵۱۱-۲۲۳۶۸۱۷

www.razavi.ac.ir

حق چاپ محفوظ است

فهرست مطالب

۷	سخن ناشر.....
۹	مقدمه.....
۱۵	فصل اول: کلیات (مفاهیم و تقسیمات).....
۱۵	حکم شرعی.....
۱۷	موضوع.....
۱۸	موضوع حکم.....
۲۰	شرعی، عرفی و علمی.....
۲۱	مستنبطه و صرفه.....
۲۳	ثابت و متغیر.....
۲۴	موضوع شناسی.....
۲۵	متعلق حکم.....
۲۶	متعلق متعلق.....
۲۶	کاربرد «موضوع» از نگاه اصولیان.....
۲۸	مجموعات شرعی.....
۳۰	سیره عقلا.....
۳۳	سیره متشرعه.....
۳۳	عرف.....

۳۴	عرف عام و عرف خاص
۳۵	عرف عام و تفاوت آن با سیره عقلا
۳۷	تقسیمی دیگر برای عرف
۳۹	فصل دوم: عوامل مؤثر در تشخیص موضوع
۴۰	اجتهاد
۴۱	نقش اجتهاد در شناسایی مفهومی
۴۱	الف) موضوعات صرفه
۴۳	ب) موضوعات مستنبطه شرعی
۴۴	ج) موضوعات مستنبطه عرفی
۴۶	موافقان تأثیر اجتهاد
۵۰	نقد و بررسی
۵۴	مخالفان تأثیر اجتهاد
۶۵	مصادق‌یابی
۶۵	تشخیص موضوعات خارجی
۷۱	عرف عام
۷۱	تأثیر عرف عام بر موضوعات احکام
۷۲	الف) فهم واژگان و ساختهای زبانی عبارات
۷۴	ب) برداشت از مدلولهای التزامی
۷۶	ج) بهره‌گیری از عبارات مرتبط
۸۱	د) تشخیص موضوعات خارجی
۸۲	۱. موافقان حجیت نظر عرف در مصادیق
۸۴	۲. مخالفان حجیت نظر عرف در مصادیق
۸۴	۳. عدم حجیت نظر عرف در مسامحات
۹۸	چه کسی می‌تواند نظر عرف را دریابد؟
۱۰۰	بازشناخت موضوعات شرعی از موضوعات عرفی
۱۰۱	الف) دوران بین معانی عرفی و معانی قطعی شرعی
۱۰۳	ب) دوران بین معانی عرفی و معانی احتمالی شرعی
۱۰۵	عرف خاص
۱۰۶	عرف خاص به لحاظ زمان و مکان
۱۰۶	الف) موضوعات ثابت

۱۰۸.....	ب) موضوعات متغیر.....
۱۰۹.....	موضوعات متغیر و احادیث اهل بیت علیهم السلام
۱۱۱.....	موضوعات متغیر و سخن فقیهان.....
۱۱۳.....	نکاتی مهم در موضوعات متغیر.....
۱۱۷.....	ج) موضوعات مشکوک.....
۱۱۷.....	قلمرو اعتبار عرف صدور.....
۱۲۱.....	عرف معیار در بین عرفهای پس از صدور.....
۱۲۶.....	عرف خاص به لحاظ تخصص.....
۱۲۷.....	تشخیص مکلف.....
۱۲۸.....	بهره گیری از نشانه های شرعی (تبعیدی).....
۱۳۱.....	فصل سوم: اختلاف در تشخیص موضوع حکم.....
۱۳۲.....	اختلاف در شناسایی مفهومی.....
۱۳۶.....	اختلاف در مصداق یابی.....
۱۳۷.....	اختلاف در مصداق یابی به دلیل ابهام مفهومی.....
۱۴۵.....	اختلاف در تشخیص موضوعات خارجی.....
۱۴۹.....	کتاب نامه.....
۱۴۹.....	الف) کتابها.....
۱۵۴.....	ب) سایتها و مجلات.....

سخن ناشر

تبیین مستند و دقیق معارف دینی، رسالتی مهم و اساسی است که عالمان دینی همواره آن را به دوش کشیده‌اند و در این مسیر زحمات طاقت فرسا و البته تحسین برانگیزی را متحمل شده‌اند. یکی از عرصه‌های گسترده معارف دینی، مباحث فقهی است که تلاش بسیاری از نخبگان دینی را به خود اختصاص داده است. عمده مباحث فقهی را می‌توان در دو حوزه تشخیص حکم شرعی و موضوع‌شناسی دنبال کرد. گرچه رویکرد اصلی دانش فقه، ناظر به حوزه اول یعنی استنباط احکام شرعی است اما به دلیل نیاز فراوان مردم به شناخت موضوعات شرعی، طیف عظیمی از مباحث فقهی را موضوع‌شناسی، تشکیل داده است. چه، مکلف برای عمل به وظیفه خود، افزون بر شناخت حکم به شناسایی موضوع هم نیازمند است.

با وجود این، سؤالات فراوانی مطرح می‌شود که ذهن دانش‌پژوهان فقهی را به خود مشغول کرده است. سؤالاتی از این دست که:

آیا شناسایی موضوع در حیطه دانش فقه می‌گنجد یا اساساً ارتباطی به این دانش

ندارد؟ آیا مکلف، افزون بر این که باید در احکام از مجتهد جامع الشرایط تقلید کند، در موضوعات هم باید از وی پیروی کند؟ آیا به جز اجتهاد، عوامل دیگری مانند عرف هم در این تشخیص، مؤثرند؟ تا چه میزان، اختلاف فتوای مراجع تقلید به بحث موضوع‌شناسی مربوط می‌شود؟

پژوهش حاضر، حاصل تلاشی است که نویسنده محترم به منظور پاسخ دادن به سؤالاتی از این دست، سامان داده است. وی با بهره‌گیری از منابع اصیل فقهی و اصولی به شناسایی عوامل مؤثر در تشخیص احکام پرداخته و برای تبیین بیشتر نقش این موضوع در مباحث فقهی، برخی از فتاوی اختلافی فقیهان را - که ناشی از اختلاف در تشخیص موضوع بوده است - در ضمن فصلی مستقل ارائه کرده است. گفتنی است طرح حاضر به عنوان طرحی پژوهشی در مرکز پژوهش دانشگاه علوم اسلامی و نیز رساله دکتری نویسنده در دانشکده الهیات دانشگاه فردوسی مشهد ارائه و به انجام رسیده است. از این رو، بر خود لازم می‌دانیم از اساتید محترمی که در به سامان رسیدن این طرح، زحمت کشیدند، به ویژه از اساتید معظم، آیه الله مهدی مروارید استاد راهنمای طرح در مرکز پژوهش دانشگاه رضوی، دکتر محمد تقی فخلعی و دکتر محمد تقی قبولی استادان راهنما و مشاور پایان‌نامه، تشکر و توفیقات روز افزون این عزیزان را از خدای تعالی مسئلت کنیم.

مرکز پژوهش

دانشگاه علوم اسلامی رضوی

مقدمه

فقیهان در محافظت از احکام اسلامی و تبیین دستورات الهی رسالتی سنگین را، به ویژه در دوران غیبت امام عصر^{علیه السلام} بر دوش دارند. تعابیری همچون «خلفاء»، «حصون الاسلام»^۱، «ورثة الانبیاء»^۲، «امناء الرسل»^۳، «حکام علی الناس»^۴، که در برخی روایات به کار رفته، گواهی روشن بر این مدعاست. افزون بر این، تعبیر ویژه امام زمان^{علیه السلام} که فقیهان را حجت خود بر مسلمانان دانسته است، تأکیدی دوباره بر جایگاه والای آنان دارد.

از این رو، فقیهان امامی در شرایط مختلف تاریخی از هر فرصتی برای انجام این رسالت بهره برده‌اند که پژوهشهای دقیق و گسترده آنان بیانگر این تلاش ستایش

۱. محمد بن علی قمی (شیخ صدوق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۴، ص ۴۲۰.

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۸.

۳. همان، ج ۱، ص ۳۲.

۴. همان، ج ۱، ص ۴۶.

۵. علی بن محمد لشی واسطی، عیون الحکم والمواظف، ص ۲۶.

برانگیز است.

آنان در انجام رسالت خود، تنها به بیان احکام بسنده نکردند، بلکه در موضوع‌شناسی احکام و تبیین شرایط فعلیت حکم^۱ نیز به یاری مکلفان آمدند. از این رو، چه بسا به بررسی و اظهار نظر درباره هر آنچه در معروض حکم دخالت دارد مانند «متعلق حکم»، «متعلق متعلق»، «شرایط فعلیت تکلیف»، «موضوعات خارجی» و «مصادیق احکام» پرداختند.^۲

اظهار نظر فقهایان را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد: نخست فتاوایی که بیانگر حکم شرعی است؛ و دوم مواردی که معروض حکم را مشخص می‌کند.

«حکم»، اعتبار شرعی است که احکام تکلیفی (وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه) و احکام وضعی مانند ملکیت و زوجیت را دربر می‌گیرد. اما آنچه معروض حکم شرعی را مشخص می‌کند، فراوان است. «متعلق حکم»، «متعلق متعلق»، «شرایط فعلیت تکلیف» و «موضوعات خارجی و مصادیق» از مواردی است که در تعیین «معروض حکم» دخالت دارد.

به عنوان مثال، شارع، امساک از خوردن و آشامیدن را بر مکلفی که نه مسافر است نه مریض، به هنگام حلول ماه رمضان، واجب کرده است. عناصر این فرمان الهی چنین است:

۱. این تعبیر برگرفته از تعریفی است که اصولیان از موضوع حکم دارند. شهید صدر در تعریف «موضوع» می‌نویسد: موضوع حکم، اصطلاحی اصولی و بیانگر تمام چیزهایی است که فعلیت حکم مجعول، به آن بستگی دارد. نک: محمد باقر صدر، *دروس فی علم الاصول*، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲. در اهمیت این امر آیت الله مکارم شیرازی می‌نویسد: «نصف توضیح المسائل، تشخیص موضوعی است و کار فقیه در فروع، پنجاه درصد، کارشناسی موضوعی است». نک: ناصر مکارم شیرازی، «اقتراح، نقش زمان و مکان در فرایند اجتهاد در نظرخواهی از دانشوران»، *مجله نقد و نظر*، شماره ۵، سال ۱۳۷۴، ص ۱۸.

«حکم»: وجوب؛ «متعلق حکم»: امساک؛ «متعلق متعلق»: خوردن و آشامیدن؛ «شرایط فعلیت تکلیف» (موضوع حکم در اصطلاح اصول^۱): وجود مکلف غیر مسافر، بدون بیماری و وجود هلال ماه رمضان؛^۲ «مصدق»: طلوع فجر روز پنجم ماه تا مغرب همان روز؛ (یکی از مصادیق).

بدین ترتیب، مفاهیمی هم چون: «امساک»، «خوردن» و «آشامیدن»، «وجود مکلف غیر مسافر، بدون بیماری و وجود هلال ماه رمضان» و نیز یافتن مصداق خارجی (مثلاً روز پنجم دقیقاً از چه لحظه‌ای شروع و در چه زمانی پایان می‌یابد) می‌بایست روشن شود تا حکم، یعنی وجوب برای مکلف، متعین گردد.

در این کتاب برای سهولت از واژه «موضوع» برای «آنچه در معرض حکم، دخالت دارد» بهره می‌گیریم. گفتنی است واژه «موضوع» در دانش منطق و اصول، در این باره مصطلح شده است. - ان شاء الله - در مباحث آتی درباره آن بیشتر سخن خواهیم گفت.

شایان یادآوری است که منظور از «عوامل مؤثر در تشخیص» معیارهای معتبر در تشخیص موضوعات احکام است. از این رو در نوشته حاضر موضوعات مختلف به گونه‌ای سامان می‌یابد تا معلوم شود در هر بخش نظر چه فرد یا افراد و یا چه معیارهایی برای تشخیص، معتبر است؛ آیا برای تشخیص موضوعات عرفی، نظر فقیه هم صائب است یا خیر و در این موضوعات، کدام عرف، معیار است؟ عرف صدور یا عرف مکلف؟ و...

در واقع شناخت دقیق و کامل «موضوع حکم»، شرط لازم برای عمل به حکم به

۱. محمد باقر صدر، دروس فی علم الأصول، ج ۱، ص ۱۰۷.

۲. همان.

شمار می‌رود. نقش «معروض حکم» و عوامل دخیل در آن، نسبت به صدور فتوا به‌سان^۱ نقش علت برای معلول است. بنابراین وجود «معروض حکم» فقط علتی برای صدور حکم به شمار می‌رود و نه فعلیت آن.

با این همه اهمیت این مسأله تا آن جاست که به‌باور برخی، فقهی که به موضوع‌شناسی نپردازد، احکامش خام خواهد بود.^۲ افزون بر این، نگاهی به عوامل اختلاف فتاوا اهمیت این بحث را روشنتر می‌کند. چه بسا اگر فقیهان در موارد مربوط به «معروض حکم»، هم نظر باشند، دیگر راجع به حکم آن، اختلافی نخواهند داشت. اختلاف در بسیاری از احکام، ناشی از اختلاف در «معروض حکم» و مسائل مرتبط با آن است. نمونه‌هایی در این باره را در فصل دوم، بیان خواهیم کرد.

درباره «موضوع‌شناسی احکام»، بحث مستقلی در کتابهای اصولی دیده نمی‌شود. اما در منابع مهم فقهی، کتاب *العروة الوثقی* را می‌توان برجسته‌ترین کتابی دانست که با پرداختن به این بحث توجه فقیهان را به خود جلب کرده است. نویسنده کتاب مذکور، سید محمد کاظم طباطبایی یزدی، در بحث اجتهاد و تقلید، مسأله شصت و هفتم به تبیین مواردی که تقلید در آنها لازم یا ممنوع است، پرداخته است. وی بیان می‌دارد که تشخیص موضوعات تقلیدی، به عهده مجتهد و با توجه به معیارهای اجتهادی است، اما تشخیص موضوعات غیر تقلیدی، به گروه یا فرد دیگری واگذار شده است که در شناسایی آن معیارهایی متناسب را به کار می‌بندند. از این رو، این

۱. دلیل این که ارتباط بین «معروض حکم» و «حکم» دقیقاً ارتباط علی و معلولی دانسته نشده و تنها به چنین ارتباطی تشبیه شده است، غیر حقیقی بودن آن است؛ چه رابطه علی و معلولی تنها در امور حقیقی مطرح می‌شود و احکام شرعی، اموری اعتباری و گاه انتزاعی به شمار می‌رود. نک: ابوالقاسم خویی، *محاضرات فی اصول الفقه*، بازنوشته محمد اسحاق فیاض، ج ۱، ص ۲۳.

۲. ناصر مکارم شیرازی، «اقتراح، نقش زمان و مکان در فرایند اجتهاد در نظرخواهی از دانشوران»، *مجله نقد و نظر*، شماره ۵، سال ۱۳۷۴، ص ۲۰.

بحث به طور کامل با بحث «تشخیص موضوعات احکام» ارتباط دارد. پس از وی، فقیهان بسیاری در حواشی خویش بر کتاب عروه و نیز دروس خارج خود به این بحث پرداختند.

با وجود این، نمونه‌هایی دیگر از مباحث مرتبط را می‌توان به گونه‌ای پراکنده در ذیل عناوینی همانند تقلید، طهارت، خمس، اجاره، خیار عیب، مجعولات شارع، مقدمات انسداد، جواز اجتماع امر و نهی، استصحاب، سراغ گرفت. مباحثی نیز در این زمینه در برخی کتابها^۱ و مقالات،^۲ مشاهده می‌شود، اما از این رو که «موضوع‌شناسی» یکی از حوزه‌های دانش نوپیدای «فلسفه فقه» است، اثر مستقلی که به تفصیل، موضوع مزبور را بررسی کرده باشد، نیافتیم.

باید توجه داشت که در کتاب حاضر در پی اثبات نظریه حد اقلی یا حداکثری فقه، و به بیان دیگر به دنبال بررسی قلمرو فقه نیستیم تا دریابیم که حیطه تصرف فقیهان در احکام و مسائل اسلامی تا کجاست، بلکه بحث در این است که موضوعی که فقیه بر اساس آن به صدور حکم می‌پردازد، با چه معیارهایی تشخیص داده می‌شود.

در پایان جا دارد از همه کسانی که در به ثمر نشستن این کتاب که رساله دکتری اینجانب در دانشگاه فردوسی بوده سهمی داشته‌اند، سپاسگزاری کنم، به ویژه استاد گرانقدر، حضرت آیه الله مهدی مروارید و استاد دکتر محمد تقی فخلعی که با راهنماییهای گرانبساز و عالمانه خود نویسنده را همراه بودند.

نیز سپاس بی دریغ خود را از ریاست محترم دانشگاه علوم اسلامی رضوی،

۱. برای نمونه نک: ابوالقاسم علیدوست، فقه و عرف، چاپ دوم، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ۱۳۸۵ ش.

۲. برای نمونه نک: جعفر ساعدی، نقش عرف در استنباط احکام، فصلنامه تخصصی فقه اهل بیت (ع)، سال دوازدهم، شماره ۴۵.

حضرت حجة الاسلام والمسلمین فرزانه ابراز می‌دارم و به دوستان دفتر پژوهش که در آماده سازی نوشته حاضر جدیت تمام نشان دادند، دست مریزاد می‌گویم.

و آخر دعوانا الحمد لله رب العالمین

سید جعفر علوی

www.ketab.ir